

## حفظ الصحه دماغی اطفال

( بقیه از شماره قبل )

### قضاوت

تربیت قوه قضاوت طفل از مسائل مشکله علوم تربیتی است زیرا که مشاهده دقیق يك حادثه تجزیه آن بحوادث جزئی و بالاخره مقایسه آنها با یکدیگر همگی نسبت بدماغ نا بالغ طفل بیگانه است و فقط تربیت صحیح میتواند او را به قضاوتی مدکوره آشنائی دهد تدریجی و اعماق قوه در این موضوع هیچ فایده ندارد بلکه بآثار شومی منتهی میشود و طفل را نافرمان میکند مشاهدات و تجارب اولیه باید در کمال سادگی و بیشتر متوجه اشیاء محیطش باشد مثلاً برای تمرین اولی طفل را بدقت در اطراف کلاس خودش و حفظ پاره جزئیات از قبیل رنگ دیوارها عده درها و پنجرهها طرز تابش نور و آفتاب وقت صبح و عصر و غیره وادارمینمائیم . وقتی باظهار خودش جزئیات مطلوبه را دقیقاً مشاهده نموده باشد او را بتوضیح دقیق و شفاهی یا کتبی جزئیات مشهوده بر میانگیزیم . بعد همین عمل را برای یکی از اطرافهائی منزل تکرار نموده سعی میکنیم وجوه شباهت و اختلاف بین این دو اطراف را فرا گرفته حفظ نماید . مشاهدات طفل و تجربیات او باید از مشاهدات بسیار ساده شروع شده تدریجاً و منظمأ بمشاهدات دقیق تر و غامض تر برسد . تا سن دوازده و سیزده طفل قادر بر عمل تجرید نیست و نمیتواند از مشهودات خود هر قدر هم که ساده و بسیط باشد معانی کلی تصور نماید این است که اگر بخواهند تا این سن او را به تصور صور کلیه و تجزیه معنی از ذات وادار نمایند نه تنها موفق نخواهند شد بلکه خطر عدم موفقیت که ناشی از خستگی دماغی است متوجه خواهد شد لذا آموزگار یا مربی باید بیهوده این زحمت را بر خود و طفل روا نداشته در عوض سعی نماید که تا سن دوازده

و سیزده فقط طفل محسوسات و تجربیات فراوان در موضوع مقدار زیادی اشیاء فرا گیرد بعداً قوه قضاوت خود بخود تشکیل شده بجزریان خواهد افتاد در موضوع مکتسبات اولیه طفل باید بخاطر آورد که طفل با حس کنجکاوی که دارد خیلی زود باور است. راجع بهر موضوع سؤال میکند و بهر جواب درست یا نادرست قانع میشود و آنرا ضبط مینماید و شاید در تمام مدت حیوة روحی و فکری خود همانها را بکار میبرد از اینجا خطر توضیحات غیر کافی و جوابهای نادرست نسبت بسؤال های او روشن میگردد و باید در هر مورد مورد توجه مری باشد

اسلوبهای تعلیمی در نمو قوای روحی طفل بسیار مؤثر است و اگر کیفیت تولید صور را در ذهن و اجتماع و تلقیق آنها را در نظر بگیریم میدانیم که مضر ترین سبب آنست که طفل را بحفظ مطالبی از کتاب وادار نمایند زیرا که این طریقه معانی جزریان عادی فکر طفل و باعث انحراف آن میگردد. برعکس اگر در تعلیم طریق تجربی را بکار ببندند برای طفل بسیار طبیعی بوده با کمال ذوق و شوق بفرآ گرفتن معلومات لازمه توجه مینماید

بین علوم پاره تجربی میباشد مانند فیزیک و شیمی و پاره دیگر بنظر باید کنای باشند مانند جغرافی و تاریخ ولی امروز این قسم تعلیمات هم کم کم منکی بتجربه و مشاهده مستقیم میگردد. مسافرتهای دانشجویان دانشسرای عالی طهران و همچنین شاگردان دبیرستان های مرکز و یا ولایات باطراف در همین زمینه است. بطور کلی همیشه در تعلیم موضوعهای علمی تجربه و مشاهده بر تئوری و نظریه علمی باید مقدم و این اصل کلی همیشه باید راهنمای آموزگاران و مربیان بخصوص در دبستانها باشد

**قوه واهمه در طفل:** از جمله مظاهر فکری طفل واهمه است. اساساً دماغ و فکر انسانی مستعد تلقیق و ترکیب صور موجوده در ذهن است و موقعی که هنوز تجربیات کافی حاصل نشده با اینکه میدانیم طفل خیلی سهل القبول و زود باور است صور ذهنی خود را با تحاء عجیب و غریب ترکیب مینماید و گاهی از آنها افسانههای کوچک میسازد. این ترکیبهای جعلی و مخالف با حقیقت توسط قوه واهمه

در طفل انجام میگیرد و این قوه از ابتدای حیوة فکری طفل شروع بکار نموده رفته رفته قدمت میگیرد تا وقتیکه تجارب عدیده موهوم بودن آنها را بطفل بفهماند و کم کم تا سن بلوغ محو میشود

در پاره اطفال استعداد جعل افسانه و ترکیبات بی حقیقت تا سن بلوغ نیز برطرف نشده باقی میماند. این حالت در نظر متخصصین نوعی ضعف سلولهای دماغی را میرساند و دوبره Dupré آنرا میتومانی Mythomanie یا جنون جعل افسانه نامیده است

استعداد جعل افسانه های موهوم در نسوان خیلی بیشتر از مرد هاست و مخصوصا قضیه توارث را در آن دخالت تامه میباشد نظارت شخص مربی در طرز قضاوت اطفال و چگونگی ترکیب صور ذهنیه آنها مخصوصا در سن بلوغ شرط لازم و کافی برای محو این استعداد یا معالجه این مرض میباشد

اراده طفل : تا چهارماه حرکات طفل فقط تابع میل های طبیعی اوست . این میل ها طفل را سریع التاثر و لجوج میکند نوعی که هر وقت چیزی میل کند بزحمت میتوان او را منصرف کرد . اینصحت سرعت تاثر و لجالت چون در طفل باقی ماند و در اثر تربیت و افزایش تجربها محو نگردد نشانه از عقب ماندن طفل بوده و اورا مریض دماغی معرفی مینماید ، در اینجا معالجه نیز بهدایت مربی و اقدام منظم او باید انجام گیرد

اقدام مربی برای تشکیل اراده طفل باید همیشه متوجه این نکته باشد که در ریشه هر عمل ارادی همان تجارب و احساسات و افکار اولیه قرار دارد و علاوه حرکات طفل تابع احساسات اوست و برای اعمالش جز همان لذت خیلی ساده نتیجه ای تصور نمی نماید محرك اعمالش میل و نتیجه آنها کسب لذت مختصریست ببارت صحیح تر طفل بین محرك و همت و نتیجه اعمال فرقی قائل نیست پس عمل مربی و نتیجه دخالت او برای تشکیل اراده طفل این است که نتایج کارها را بطفل بفهماند و هر زمان که استعداد فکری و دماغی طفل اجازه دهد سعی نماید که رجحان ادله عقلی را در

اعمال بر شهوات و میلها باو حالی کنند و هر گاه در امری چند عمل متصور باشد طفل را بانجام عملی وا دارد که عقلا رجحان داشته و موافق تر بانجام وظیفه باشد این مسئله را نباید از خاطر دور داشت که قوت اراده طفل مربوط بسلامتی مزاج اوست و بان تجربه معلوم شده که اشخاص ضعیف الاراده از حیث جسم و قوای بدنی ناتوانند. اینست که ورزشهای متناسب با سن طفل در تربیت اراده او و حصول نتیجه مطلوبه دخالت تامه دارد استعداد ارثی طفل نیز در این تربیت مؤثر میباشد ولی اگر این استعدادهای ارثی فوق العاده غیر طبیعی نباشد با شیوه عادی تربیت میتوان آنرا اصلاح و مرمت نمود

**تربیت اخلاقی طفل :** نتیجه تربیت اراده طفل ظهور حس وظیفه شناسی که مبنای اخلاق است میباشد. نتیجه تربیت اخلاقی فقط تکمیل شخص و رساندن او بمقامی است که خود بخود وظائف شخصی و نوعی را طبق نمونه کاملی که از آن به ایده آل و کمال مطلوب تعبیر شده انجام دهد از کمال مطلوب بشر یا آن انسان جامع کمالات، صوری کلی در ذهن و خاطر اشخاص تربیت شده وجود دارد که قوانین تشخیص نیک و بد را با آنها القا مینماید و مقصود از تربیت اخلاقی ایجاد همان صورت کلی از کمال مطلوبست ولی در ابتداء بهیچوجه طفل از این مسائل خبر ندارد و اگر بخواهند نیک و بد را بطور نظری باو بفهمانند نتیجه مطلوبه حاصل نخواهد شد این است که در مبنای تربیت اخلاقی هم مانند سایر تربیت ها باید تجربه قرار گیرد

هیچ نصیحت مانند نشان دادن نتایج سوء اعمال زشت طفل را از ارتکاب این اعمال منع نمیکند همیشه باید سعی کرد طفل را بانقایب خطایای خودش تنبیه نمود تا بفهمد که اعمال زشت در تهیه مخاطرات اثر وضعی دارند مثلا اگر طفل تنبل را مدتی در بیکاری مطلق نگاهدارند کسالت بیکاری را خوب درك خواهد کرد و اگر بطفل دروغگو در هیچ مورد اعتماد ننمایند بزودی ضرر دروغگوئی را خواهد دانست و همچنین در سایر اعمال پس بطور خلاصه مجازات باید از جنس

خطایای طفل باشد تا از یکطرف اثر وضعی آنها را بداند و ازطرفی هم خود بخود  
باصلاح آنها بکوشد

در موضوع تربیت اخلاقی حسن تقلید طفل با تمام قوتش مؤثر است رفتار  
و کردار و گفتار اطرافیان را طفل بدون اراده تقلید میکند اینست که اشخاص، ماحشر  
با طفل فقط مسئول تفکر و عمل او میباشند و بس

پس خلاصه طرز عمل مربی در تشکیل حافظه و قوه تلفیق صور محفوظه  
و قضاوت و بالاخره تشخیص خوب و بد تجربه است. سرمشقه‌های مربی و تکرار  
اعمال در مقام تشکیل هر یک از قوای ذهنی طفل بهترین راه عمل است و همچنین  
خاموش کردن احساسات شدید طفل که راهنمای اولیه او در اعمال و حرکات است  
باید بوسیله تجربه انجام گیرد و البته طرز انتخاب تجارب هر چند مؤثر است ولی تکرار  
آنها مؤثرتر است. گوستاولو بن میگوید: عظمت يك ملكه روحی متناسب اخلاقی بودن  
آن و غیر وجدانی بودن آنست یعنی ملکات فاضله باید عادی باشد و آزادانه انجام  
گیرد. چنین خاصیت برای ملکات تولید نخواهد شد مگر آنکه تجارب مربوطه  
بسیار مکرر شود.

دکتر علیمحمد مدرسی

شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی  
سعادت

زنانان گرسد سودی زبان است  
نیرزد صد تن نادان بجانی  
که برکس نیست از آموختن عار  
بود روزی که او استاد گردد  
ناصر خسرو

سعادت اختلاط زیرکان است  
ز دانایان تنی ارزد جهانی  
بیاموز آنچه شناسی تو، زنهار  
بشاگردی هر آنکو شاد گردد